

در باره مبارزات و سرکوب مردم خوزستان



مردمی که به مناسبت سرکوب سال 84 در منطقه "صیاحی" خود را برای تظاهرات در روز های آینده آماده می کردند، مورد یورش ماموران قرار گرفتند و طی درگیری و اعتراضات مردمی نیرو های سرکوب گر دو نفر را کشته و عده ای را بازداشت و مورد ضرب و شتم قرار می دهند. در این رابطه با گسترش اعتراضات به برخی مناطق دیگر در جریان تظاهرات در محله "کوت عبدالله" نیز یک نوجوان در اثر مسمومیت شدید گاز اشک آور جان باخت؛ در جریان تداوم اعتراضات در شهر حمیدیه نیز با شلیک مستقیم به معترضین یک نفر جان خود را از دست داد؛ در محله "شیلنگ آباد" اهواز نیز که ماموران برای بازداشت یکی از معترضین اقدام نموده بودند، چند ساعت درگیری و تظاهرات بوجود آمد.

بدین ترتیب شمار کشته شدگان اعتراضات چند روز گذشته به چهار نفر رسیده است و مطابق آخرین اخبار 150 نفر بازداشت شده اند که 30 نفر از آنها زنان هستند.

اعتراضات مردمی که بیشتر در مناطق عرب نشین وجود داشته و در چند سال گذشته نیز در خوزستان شاهد آن بوده ایم، در واقع ریشه در وضعیت وخیم اقتصادی، استبداد حاکم و تبعیضات و ستم ملی که از طرف جمهوری اسلامی اعمال می شود دارد. اما راه رهایی از این وضعیت نه با دامن زدن به تعصبات ملی و قومی و نه با رودر رویی ملیت ها حل می شود، بلکه با اتحاد طبقاتی کارگران و مردم و مبارزه ای متحدانه برای براندازی حکومت ارتجاعی حاکم و در نهایت اعمال قدرت از طرف کارگران و مردم است که می توانند بساط فقر، بیکاری، استبداد و در نهایت تبعیضات و ستم ملی را برچینند. با رودر رویی ملیت ها و اقوام تنها، آب به آسیاب فرصت طلبان ناسیونالیست ریخته می شود و اتحاد طبقاتی ضروری در راه مبارزه با سرمایه داری خدشه دار می گردد.

طی چند سال گذشته در کنار مبارزات جاری در جامعه ما شاهد سه گرایش اجتماعی و اعتراضی در خوزستان بوده ایم. اول مجموعه ی اعتراضات و تجمعاتی که طی چند سال گذشته توسط کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران لوله سازی اهواز و دیگر کارگران در خوزستان جریان داشته و دارد که عمدتاً حول مطالبات اقتصادی حرکت می کنند و دوم

موج اعتراضات مردمی که همچنان به اصلاح طلبان حکومتی توهم دارد و در دیگر مناطق ایران نیز به شکل وسیعی در دو سال گذشته وجود داشته است و سوم موج اعتراضات کارگران و مردمی که به شکل مبارزه ای ملیتی و بطور مشخص مردم عرب زبان بروز نموده است. مبارزات کارگری در خوزستان که استانی صنعتی و دارای سابقه زیاد مبارزات کارگری است، اهمیت زیادی دارد، اما از دو ضعف رنج می برد؛ اول ضعف عمومی است که جنبش کارگری ایران با آن مواجه است یعنی متشکل نبودن- که البته کارگران نیشکر هفت تپه در این مورد دست آورد با ارزشی داشته اند - و مبارزه ای متحدانه و مرتبط با یکدیگر ندارند و دوم در اعتراضات عمومی و رو به گسترش از جمله اعتراضات اخیر، مطالبات سیاسی و اقتصادی کارگران طرح نمی گردد؛ تنها با طرح مطالبات واقعی اقتصادی و سیاسی کارگران و مردم است که می توان جنبش را منسجم و مستقل نمود. جنبش کارگری با طرح وسیع مطالبات اقتصادی و سیاسی می تواند زمینه های گسست از اصلاح طلبان حکومتی و ناسیونالیسم را فراهم سازد. خوزستان به عنوان یک قطب صنعتی در ایران و با سابقه طولانی مبارزات کارگری، و تشدید تضادهای طبقاتی هر چه بیشتر مستعد خیزش های کارگری و مردمی است، اما واقعیت این است که جنبش های انحرافی آلترناتیوهای خطرناکی را در چشم انداز پیشروی جنبش ایجاد نموده اند. کارگران پیشرو تنها با افشای دو خط اصلاح طلبان حکومتی و ناسیونالیسم می توانند راه را برای پیشروی جنبش کارگری و پیوند زدن آن با جنبش مردمی ایجاد نمایند.

با ایجاد تشکل های کارگری و مردمی حتی به شکل جمع های کوچک و محدود و تبلیغات و دخالتگری مناسب و شفاف و با رهنمودهایی مشخص می توان موثر واقع شد و از به انحراف رفتن جنبش جلوگیری نمود؛ فاصله گرفتن و بی تفاوت بودن نسبت به جنبش های موجود، تنها باعث رشد انحرافات و در نهایت واگذاری میدان مبارزه به سرمایه داران خواهد شد.

ما ضمن محکومیت سرکوب و کشتار چند روز گذشته مردم در خوزستان ، خواهان آزادی بدون قید و شرط زندانیان بازداشت شده هستیم و خواهان مبارزه ای متحدانه در راه نابودی سرمایه داری و رفع هر گونه ستم ملی می باشیم.

زنده باد جنبش کارگری، زنده باد جنبش مردمی

کمیته های کارگران سوسیالیست داخل کشور- 24 فروردین 90